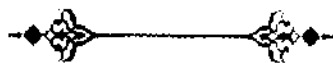
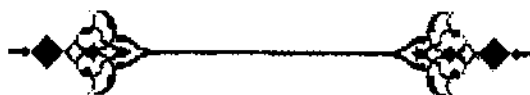


فصلنامه نیایش



مسئول شورای علمی: مجتبی کلباسی
دبیر شورای علمی: سیدمحمد عبداللهی
مدیر داخلی: منصور سرگزی
مسئول اجرایی: مجتبی مبینی
طرح جلد و صفحه آرایی: اکرم شاه‌بختی
ناشر: ستاد اقامه نماز
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
قیمت: اهدایی (غیر قابل فروش)
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات



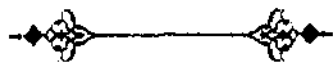
فصلنامه نیایش، انعکاس دهنده‌ی پژوهش‌ها و مطالعات صاحب نظران و اندیشمندان درباره‌ی فریضه‌ی سترگ نماز و موضوعات مرتبط با آن می‌باشد. مقالات و مطالبی در نیایش امکان چاپ می‌یابد که مستند علمی و پژوهشی داشته باشد. آراء و نظرات نویسندگان و موضوعات مطرح شده، الزاماً نظر نیایش نیست. نیایش در ویرایش و تلخیص مقالات، آزاد است. مقالات ارسالی به هیچ وجه مسترد نمی‌شود. نقل و استفاده مطالب با ذکر مأخذ و نام نویسنده بلامانع است.

نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۴۱۵۵/۶۳۷۳

« حق بر عبادت آزادانه »

دکتر رحیم نوبهار

پژوهشگر حوزوی و عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی



پیشتر در مقاله "مسجد، مؤسسه ای دولتی یا سازمانی مردم نهاد" به حق بر عبادت آزادانه اشاره کرده بودم. [نک: کتاب نیایش، ش ۳۲، ص ۱۱۵-۱۲۰] در این نوشتار جنبه هایی از این مفهوم را به اختصار واکاوی می کنم.

۱. از ویژگی های دوران مدرن نگاه "حق مدارانه" به موضوعات گوناگون است. در دوران گذشته نگاه غالب به مسائل اجتماعی، نگاه "تکلیف مدار" و "مسئولیت محور" بوده است. بویژه در حال و هوای گفتمان دینی، نگاه مسئولیت مدار بر نگاه "حق مدار" غالب بوده و هست؛ ولی به وارونه آنچه گاه گفته می شود، ادبیات دینی با زبان و نگاه حق مدار به هیچ رو بیگانه نیست. البته هیچ یک از دو گفتمان حق یا تکلیف، برتری مطلق بر دیگری ندارد؛ آنها هر کدام امتیازها و ویژگی های خاص خود را دارند. در یک نگاه جامع و متعادل این دو گفتمان می توانند مکمل و متمم یکدیگر باشند. همواره از تکلیف و مسئولیت سخن گفتن، حق و حق خواهی را به حاشیه می برد. همچنین تأکید بی اندازه بر حق و حق مداری بدون سخن گفتن از

مسئولیت و وظیفه، نه درست است نه راه گشا. حق و برخورداری از حق در سایه مسئولیت و مسئولیت پذیری کس یا کسانی که به گونه ای با آن حق در ارتباطند، معنایی روشن پیدا می کند. از این روی حتی در جهان حق مدار امروز شمار زیادی از اندیشمندان به درستی بر اهمیت "مسئولیت" و لزوم پررنگ بودن آن تأکید می کنند.

۲. در پرتو نگاه حق مدار، امروزه از حق بر دین و دین داری و حق بر عبادت آزادانه سخن گفته می شود. حق بر دین به معنای آزادی در انتخاب دین و نوع باورهای مذهبی و عقیدتی است. حق بر عبادت آزادانه به معنای آزادی در برگزاری آیین های دینی و مناسک مذهبی است؛ این حق از آن روی که به جلوه های عینی و بیرونی دینداری باز می گردد، عینی تر و اجتماعی تر است. نمونه ها و مصداق های این حق ممکن است فردی یا جمعی باشند. بویژه در آیین های دینی جمعی گاه جامعه و دولت افزون بر تحمل و بردباری در برپایی آیین های دینی، وظیفه دارند تمهیدات و تسهیلاتی را فراهم آورند؛ مانند تأمین امنیت آیین های دینی که اقداماتی ایجابی را می طلبد.

۳. برابر آموزه های قرآنی، تلاش برای برپایی و احیای نماز و آیین های دینی از ویژگی های مؤمنان است. [حج: ۴۱] در این نگاه تأکید بر این است که عبادت خداوند یک تکلیف الهی است و مؤمنان به حکم امر به معروف و نهی از منکر و به اقتضای اخلاق مراقبت، باید دیگران را به این امر خیر تشویق و ترغیب نمایند و از راه ها و شیوه های مقتضی برای انجام آن مساعدت کنند. نگاه وظیفه مدار به نماز و عبادت در جای خود درست است و می تواند سودمند و مؤثر باشد.

۴. به عبادت و نماز، حق مدارانه هم می توان نظر افکند. در این نگرش انجام عبادت آزادانه و برگزاری آیین های دینی و مذهبی به مثابه حق مؤمنان و عبادت کنندگان است. این نگاه به خودی خود منافاتی با تکلیف بودن نماز و عبادت ندارد؛ در واقع در حالی که نماز و عبادت یک تکلیف الهی است، همزمان حق شهروندان نیز هست. این نگاه البته اقتضائات و لوازم خاص خود را دارد. وقتی امری لباس حق به تن می کند افراد را از آنها محروم نمی توان کرد. این نگاه در هر قلمروی بازتاب های خاص خود را دارد. برای نمونه کیفر دادن بزهکاران حق دولت و حاکمیت است، اما مجازات و کیفر را حق بزهکار هم می توان قلمداد کرد. به محض این که به مسأله از این چشم انداز بنگریم، محدودیت هایی در وضع و اجرای مجازات ها پدید می آید. نمی توان افراد را هر گونه که بخواهیم از هر راهی و به هر میزانی مجازات کنیم.

۵. نگاه حق مدار به نماز و عبادت اقتضائات و لوازمی دارد؛ وقتی امری در مقوله "حق" قرار می گیرد، اولین وظیفه دولت و جامعه آن است که مراقب باشند تا مبادا با اقدامات ایجابی یا مثبت خود مانع استیفای این حق شوند. در واقع، دولت و جامعه در حالت طبیعی نمی توانند کاری کنند که شهروند را از برخورداری از این حق محروم نمایند. قدر مسلم در این باره آن است که دولت و نهادهای مربوط باید مراقب و حساس باشند تا مستقیم و غیرمستقیم مانع استیفای این حق نشوند. این نگاه همه‌ی نهادها و مؤسسه‌ها را به واریسی برنامه‌ها و رویه‌های خود برای شناسایی موانع احتمالی فراروی دین ورزی و عبادت مؤمنان تشویق می کند. این نگاه بی گمان به گسترش عبادت و معنویت می انجامد. زیرا همگان باید بکوشند مانعی برای عبادت و معنویت جویی دیگران نباشند.

۶. از دیگر لوازم نگاه حق مدار به مقوله نماز و عبادت، شناسایی تنوع فرهنگی و مذهبی در نوع اجرای نماز و دیگر آیین های دینی است. اگر به حق بر عبادت همچون حقی شهروندی نگاه شود، حکومت و دولت نمی توانند کلیشه‌ها و فرم‌های یکنواخت و یکسانی را به جامعه مؤمنان و متدینان در زمینه برپایی آیین های عبادی تحمیل کند. در واقع تنوع و تکثر در نوع و شیوه اجرای مراسم و آیین های مذهبی تا آن جا که به چارچوب و اصول و موازین عبادت و نماز آسیب نمی زند حق شهروندان است؛ این بدان معنا نیست که هر کس یا هر گروهی می تواند هر گونه که مایل بودند نماز بخوانند یا با بدعت و نوآوری در دین، عبادت های نوین جعل کنند؛ اما برای نمونه، افراد، جوامع و سلايق گوناگون می توانند مسجد خاص خود را داشته باشند، امام جماعت واجد شرایط مورد نظر خود را انتخاب کنند و برنامه های مسجد و آیین های عبادی مذهبی را آن گونه که جامعه محلی و محدود یا نمایندگان آنان مناسب تر می دانند، برپا نمایند. در واقع، کیفیت استیفا و اجرای حق در چارچوبی در اختیار دارندگان حق است. وقتی استیفا و اجرای حقی چند شیوه و روش صحیح دارد، دولت و حاکمیت افزون بر آن که نمی تواند افراد را از اصل این حق محروم کنند، نمی تواند افراد را به نوع و شیوه خاصی از استیفای حق ملزم نماید.

۷. از دیگر لوازم نگاه حق مدار به مقوله نماز و عبادت، شناسایی حق اقلیت های دینی و مذهبی بر برپایی آیین های دینی است. در این نگاه چون حق بر عبادت، در شمار حق های شهروندی است، کسی را صرفاً به دلیل این که اقلیت است از استیفای حق خویش محروم نمی توان کرد؛ زیرا حق یادشده، عمومی، همگانی و از آن همه شهروندان است. تصرف در

"حق الناس" و ناروا خواهد بود. گستره شناسایی این حق برای اقلیت ها بسته به ارزش های پذیرفته شده توسط جامعه، متفاوت خواهد بود.

در نگاه آزادی گرا که به آزادی همچون ارزش مطلق یا تقریباً مطلق نگاه می شود، در وضعیت آرمانی همه اقلیت های دینی می توانند آن گونه که می خواهند آیین های دینی را بر پا نمایند؛ زیرا در این نظام ها نه تنها "آزادی دین" که "آزادی از دین" هم پذیرفته شده است. در جوامعی مثل جمهوری اسلامی ایران قانون اساسی حق برگزاری عبادت و آیین های مذهبی را برای مسلمانان از مذاهب گوناگون و ادیان مسیحیت، یهود و زرتشتی به رسمیت شناخته است. نگاه حق مدار به نماز و عبادت حتی در این گونه نظام ها نیز لوازم خاص خود را دارد. برابر این نگاه، کمینه وظیفه ی حاکمیت این است که با احتیاط مراقب باشد تا مبادا اقدامات، قوانین و مقررات و رویه های عملی مستقیم یا غیرمستقیم مانع استیفای این حق شهروندی برای اقلیت شود. بلکه گاه ممکن است دولت موظف باشد اقداماتی ایجابی انجام دهد تا شهروندان را در استیفای حقشان یاری دهد.

۸. اگر فرض شود که استیفای حق بر عبادت و برگزاری آیین های دینی و مذهبی با حقی دیگر که مربوط به کلیت جامعه یا گروه اجتماعی معینی است، تزاخم پیدا کند، در مقام تزاخم نمی توان یکسره بر حق بر عبادت آزادانه قلم بطلان کشید؛ بلکه حل مسأله تابع قواعد و مقررات تزاخم "حق ها" خواهد بود. نخست باید احراز شود که مصلحت یا حقی که با استناد به آن، حق بر عبادت محدود می شود، دارای ملاکی اقوی و اهم است. دوم این که محدودیت در استیفای حق بر عبادت تنها تا زمان تزاخم خواهد بود و به محض پایان یافتن تزاخم یا ضعف مصلحت یا حق تزاخم، حق بر انجام عبادت بلامعارض و لازم الاستیفا خواهد بود. بدین سان نمی توان در محروم کردن افراد و گروه های اجتماعی و دین دار از انجام آیین های دینی مورد نظرشان دست و دل بازی کرد و به آسانی آنان را از حقشان محروم نمود.

۹. در جهان به هم پیوسته کنونی نگاه حق مدار به عبادت و بندگی همچون حقی انسانی راهگشا و تنظیم کننده روابط ما با جامعه ی جهانی خواهد بود. ما نمی توانیم بر حق اقلیت در کشورهای غیرمسلمان بر حق بر دین داری، عبادت و داشتن مسجد و مراکز اسلامی تأکید کنیم، اما حق پیروان ادیان دیگر بر عبادت و معبد را در کشور خود نادیده بینگاریم. به همین ترتیب زمانی می توان بر حق اقلیت شیعیان در کشورهای مسلمان بر عبادت آزادانه و برخورداری از مسجد یا مراکز اسلامی سخن گفت که در کشورمان به حق اقلیت غیرشیعه بر

عبادت آزادانه و برخورداری از مسجد سخن گفت که در کشورمان به حق اقلیت غیرشیعه بر عبادت آزادانه و برخورداری از مسجد حرمت نهیم. زبان و منطق حق در این باره زبانی آشناست که به آسانی می توان با آن سخن گفت و با دیگران تعامل مثبت و سازنده نمود. برای ارتباط با دیگران به زبان مشترک نیاز است و حق این زبان مشترک است که باید برای تقویت و تعمیق آن تلاش کرد. اگر حفظ هویت عبادی و دینی اقلیت مسلمان در کشورهای غیر اسلامی برایمان مهم است، نمی توانیم به هویت دینی و مذهبی اقلیت های کشورمان بی توجه باشیم.

۱۰. چنان که گذشت حق بر دین داری و عبادت از حقوق انسانی است. حق های انسانی را حتی اگر در قوانین اساسی کشورها مورد تصریح یا اشاره قرار نگرفته باشند، باید پاس داشت و حرمت نهاد. با این حال قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تعابیر عام و خاص، حق بر عبادت و بندگی را به رسمیت شناخته است. در مقدمه قانون اساسی تصریح شده است که آزادی و کرامت ابناء بشر سرلوحه اهداف این قانون است. این قانون مکرراً از "حقوق انسانی" سخن گفته است. برابر اصل چهارم دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و "حقوق انسانی" آنان را رعایت نمایند. اصل بیستم قانونی اساسی هم تصریح نموده است: "همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی "حقوق انسانی"، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." به موجب اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه ی امکانات عادلانه را برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی به کار گیرد. دو اصل دوازدهم و سیزدهم حق بر عبادت و برگزاری مراسم و آیین های مذهبی را در محدوده ای خاص به صراحت به رسمیت شناخته شده است. برابر اصل دوازدهم با آن که دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است؛ مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند. به موجب اصل سیزدهم، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه ی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند."

می بینیم که قانون اساسی از یک سو از شناسایی حقوق انسانی برای همه ی ایرانیان سخن

می گوید و از سویی دیگر بر حق برگزاری مراسم دینی برای اقلیت هایی خاص. این به معنای آن است که درباره ی حق اقلیت های مسلمان غیرشیعی و نیز اقلیت های نام برده شده در اصل سیزدهم بر عبادت و برگزاری آیین های دینی تردید نمی توان کرد. از نقطه نظر تفسیری با توجه به شناسایی حقوق انسانی برای هر ایرانی باب بحث در باره حق دیگر اقلیت ها بر عبادت و دین ورزی بسته نیست. پایبندی به این سند و میثاق ملی ایجاب می کند تا در محدوده های مضیق یا موسع پیش گفته (بسته به تفسیری که از قانون اساسی داریم) برای تضمین و استیفای حق شهروندان بر دین ورزی و عبادت بکوشیم. بی گمان تضمین این دست حق ها برای شهروندان در شکوفایی روح عبادت و معنویت و ترسیم چشم انداز وسیع و باز مسلمانان بسی اثرگذار است. نسل جوان ما بسیار مشتاق است تا روح احترام به حقوق شهروندی را در نگاه و رفتار متولیان دینی بویژه آنان که بر برپایی آیین ها و مناسک دینی تأکید می نمایند نظاره کند. بی شک رواج این دیدگاه مایه ی گسترش روح خوش بینی به اسلام و در نهایت توسعه روح معنویت و عبادت خواهد بود.

والحمد لله اولاً و آخراً